

خبر

کشورهای آمریکای لاتین به دنبال ایجاد بلوکی مانند اتحادیه اروپا

● رئیس‌جمهور مکزیک و دیگر رهبران در اجلاسی اعلام کردند که کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریایی کارائیب باید به دنبال تشکیل بلوکی مانند اتحادیه اروپا باشند تا بتوانند نفوذ «سازمان کشورهای آمریکایی» مستقر در ایالات متحده را در کشورهای خود از بین ببرند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، سال‌هاست که تعدادی از کشورهای چپ‌گرای منطقه آمریکای لاتین که در اجلاس «جامعه کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب» شرکت دارند، سازمان کشورهای آمریکایی را خیلی نزدیک به ایالات متحده می‌بینند؛ به‌ویژه آنکه این سازمان، کوبا را از کشورهای عضو حذف کرده است. آندرس مانوئل لویز اوبرادور، رئیس‌جمهوری مکزیک در میزبانی نشست روز شنبه به ده‌ها نفر از رؤسای جمهوری و نخست‌وزیران کشورهای شرکت‌کننده در مراسم افتتاحیه گفت که یک نهاد جدید دیپلماتیک می‌تواند باعث ارتقا و پیشرفت بیشتر اقتصادهای ازهم‌گسسته در منطقه شده و به سازمانی برای مقابله با بحران‌های سلامت تبدیل شود. او ادامه داد: در این برهه زمانی، «جامعه کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب» می‌تواند به یک ابزار مهم برای تحکیم روابط بین کشورهای حوزه دریای کارائیب و آمریکای لاتین تبدیل شود. ما باید در قاره آمریکا چیزی شبیه به جامعه اقتصادی که آغاز اتحادیه اروپایی کنونی بود، ایجاد کنیم. این نشست با تمرکز بر رهبران چپ میانه منطقه از جمله پدرو کاستیو، رئیس‌جمهوری جدید پرو، میگوئل دیاز کانل، رئیس‌جمهوری کوبا و نیکولاس مادورو، هم‌تای ونزوئلایی آنها آغاز به کار کرد. ژاير بولسونارو، رئیس‌جمهوری جناح راستی برزیل که سال گذشته میلادی از این اجلاس بیرون رانده شد، آن را بابت ارتقای کشورهای غیردموکراتیک مورد انتقاد قرار داد. آلبرتو فرناندز، رئیس‌جمهوری آرژانتین نیز به دلیل تغییر ناگهانی کابینه‌حضورش در این اجلاس را در دقیقه آخر لغو کرد. در این میان، برخی از رهبران منطقه‌ای حضورشان را در این اجلاس توجیه کردند؛ به‌طوری‌که «لویس لاکایه»، رئیس‌جمهوری راست میانه اورگوئه گفت حضورش در این اجلاس را بنیاید به معنای حمایت از برخی از رژیم‌های مستبد منطقه یا انکار سازمان کشورهای آمریکایی تفسیر کرد.

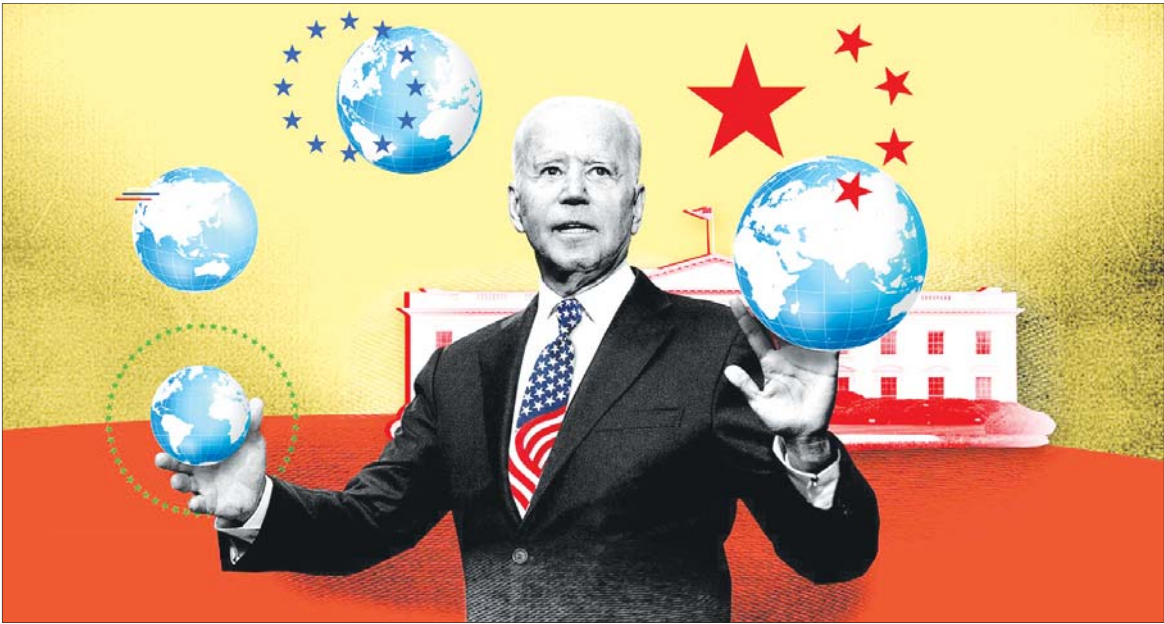
پس از گذشت چهار سال، فردی به‌عنوان رئیس‌جمهوری ایالات متحده در جایگاه سخنران مجمع عمومی سازمان ملل حضور می‌یابد که لحن و جهت‌گیری او بیش از سلفش مورد تأیید دنیای امروز است. فردا که جو بایدن سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را آغاز کند، تضاد او با دونالد ترامپ آشکار خواهد شد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری بود بسیار سرسخت و متعهد به دنبال‌کردن یک راه مستقل و ناسیونالیستی در امور جهان، اما بایدن یک بین‌الملل‌گرای غریزی است که به ارتقای نهادهای چندجانبه و حاکمیت قانون بین‌المللی اهمیت می‌دهد و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عضو سازمان ملل و همچنین بیشتر آمریکایی‌ها از این لحن و جهت‌گیری جدید استقبال خواهند کرد. با این حال، فراتر از این فضا که در مقایسه با ترامپ، بیشتر به سود بایدن خواهد بود، او با یک چالش پیچیده و دوگانه مواجه است.

بایدن از یک سو باید مخاطبان جهانی خود را متقاعد کند که تعهد آمریکا به چندجانبه‌گرایی پایدار خواهد ماند؛ درحالی‌که هم‌زمان می‌خواهد مخاطبان داخلی خود را راضی کند که سازمان ملل متحد وظیفه رسیدگی به بحران‌های جهانی است جمله همه‌گیری، تغییرات آب‌وهوایی، عقب‌نشینی جهانی از دموکراسی و پیامدهای خروج ایالات متحده از افغانستان را بر عهده دارد. این نخستین حضور بایدن در مجامع مهم عمومی پس از خروج جنجالی و شتاب‌زده آمریکا از افغانستان است و بدون تردید سیل انتقادها از سوی رهبران دیگر کشورهای جهان را تحت فشار قرار خواهد داد. علاوه بر توجه ویژه به بایدن در اولین حضور در مجمع عمومی سازمان ملل به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، امسال برای دومین سال متوالی، رهبران جهان در حالی سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل را انجام می‌دهند که همچنان جهان درگیر همه‌گیری ویروس کروناست و این چالش در دو سال اخیر محدودیت‌های همبستگی جهان را آشکارتر کرده است و دسترسی نابرابر به واکسن‌ها واضح‌ترین نمونه به شمار می‌آید. تاکنون به‌طور متوسط حدود ۸۰ درصد مردم در کشورهای ثروتمند یا با درآمد بالاتر از متوسط هر دو دوز واکسن را تزریق کرده‌اند؛ اما این رقم برای کشورهای فقیر و

جهان

نخستین سخنرانی بایدن در مجمع عمومی تحت تأثیر بحران افغانستان

پیامی فریبنده به جهانی آشفته



کم‌درآمد کمتر از دو درصد است. این خودخواهی کشورهای ثروتمند نه‌تنها ناعادلانه است؛ بلکه برای جهان خطرناک خواهد بود و تکامل انواع جدیدی از ویروس را در پی خواهد داشت که همه‌گیری را طولانی‌تر می‌کند و خروج از این بحران را به تأخیر می‌اندازد. بایدن با استقبال از درخواست‌ها برای اینکه آمریکا رهبری جهانی مقابله با همه‌گیری را در دست بگیرد، قصد دارد اجلاسی مجازی را در ۲۲ سپتامبر تشکیل دهد و رهبران جهانی را تحت فشار قرار خواهد داد تا به هدف ۷۰ درصد واکسیناسیون جمعیت «در همه کشورها» در یک سال آینده متعهد شوند.

وظیفه دوم بایدن این است که جهان را متقاعد کند تا برای انجام اقداماتی سریع‌تر و عمیق‌تر علیه انتشار گازهای گلخانه‌ای، براساس آخرین گزارش در ارزیابی هیئت بین‌دولتی تغییرات آب‌وهوا و پیش از کنفرانس محوری تغییر آب‌وهوا در ماه نوامبر در کلاسکو، متعهد ششوند. آنتونیو گوت‌رش، دبیر کل سازمان ملل متحد هم شتاب سریع تغییرات آب‌وهوایی را «وضعیت قرمز» برای کره زمین می‌نامد. انتظار می‌رود سخنرانی بایدن درباره

تعهدات دولتش در کاهش ۵۰درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی ایالات متحده تا سال ۲۰۳۰ و دستیابی به هدف قطع کامل انتشار این گازها تا سال ۲۰۵۰ باشد. بایدن می‌خواهد با تغییر شبکه برق ایالات متحده و تسریع انتقال از خودروهای با سوخت فسیلی به خودروهای برقی این تعهد را اجرائی کند. با این حال موانع زیادی بر سر راه این تعهد وجود دارد و تکلیف طرح هزار میلیارددلاری او برای توسعه زیرساخت‌ها و لایح تطبیق بودجه با رقم ۳٫۵ هزار میلیارددلاری به‌عنوان مهم‌ترین برنامه‌ها برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای هنوز روشن نیست.

به گفته مقام‌های آمریکایی، سومین و احتمالا مهم‌ترین موضوع سخنرانی بایدن، دفاع از حقوق و آزادی‌های بشری در برابر قدرت‌های استبدادی در خارج آمریکا و نیروهای ضددموکراتیک در داخل آمریکا خواهد بود. بایدن در همین راستا قصد دارد نامزدی ایالات متحده برای عضویت در شورای حقوق بشر سازمان ملل را در ماه اکتبر اعلام کند. بایدن، چین و روسیه را هم به دلیل کارشکنی‌های آنها برای تضعیف آزادی و دموکراسی مورد انتقاد قرار خواهد داد.

مهم‌ترین چالش

فراتر از موضوعات بهداشتی، زیست‌محیطی و سیاسی، بایدن نمی‌تواند از موضوع افغانستان و نقش سازمان ملل در این کشور پس از پیروزی طالبان طفره برود. نگرانی استراتژیک دولت بایدن جلوگیری از صدور تروریسم از افغانستان است؛ اما بدیهی است که اهرم دیپلماتیک واشنگتن پس از خروج آشفته نیروهای نظامی و پرسنل دیپلماتیک آمریکا از این کشور محدود است.

بایدن احتمالاً استدلال خواهد کرد که فروپاشی قریب‌الوقوع اقتصاد افغانستان و قطعیت بروز

ادامه پیامدهای پیمان آکوس برروابط اروپا با آمریکا

خط‌ونشان فرانسه برای ناتو

فسخ کرد تا قرارداد دیگری به نام آکوس برای خرید همین اقلام با آمریکا و بریتانیا امضا کند. فرانسه این ماجرا را «خنجر از پشت» به خود توصیف کرد.

لودریان، نسبت به آینده سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) هم هشدار داد و گفت: «ناتو پس از درخواست امانوئل مکرون، مشغول بازاندیشی درباره بنیان‌های خود است. به‌زودی اجلاس سران ناتو در مادرید برای پایان این پروسه برگزار می‌شود. ماجرائی که شاهدش هستیم، طبیعتاً تأثیر خود را بر تعریف جدید خواهد گذاشت». کشورهای اروپایی عضو ناتو بسیار امیدوار بودند که با خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید و به‌قدرت‌رسیدن جو بایدن، شکاف میان دو سوی اقیانوس اطلس پر شود. بااین حال پیمان آکوس میان واشنگتن، بریتانیا و استرالیا و بازی‌خوردن فرانسه در این ماجرا، امیدواری پیشین را با تردیدهای جدی مواجه کرده است.

رئیس پارلمان عراق در سودای ریاست‌جمهوری

محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان عراق، کمتر از یک ماه مانده به انتخابات عراق دو سفر خارجی مهم داشت که با توجه به مقصد این سفرها، برخی آن را در راستای تلاش او برای جلب حمایت در انتخابات یا تمدید دوره ریاستش بر مجلس یا حتی ریاست‌جمهوری می‌دانند. الحلبوسی، روز جمعه سفر خود به قاهره را پایان داد و در اواخر ماه گذشته نیز در سفری به اردن با پادشاه اردن و دیگر مقامات این کشور دیدار کرد. الحلبوسی در اواخر ماه می‌گذشته تأکید کرد که باید ریاست‌جمهوری عراق به اهل سنت و نه کردها واگذار شود و افزود که «محقق گروهی که ریاست‌جمهوری را به دست داشته باشد، بهتر تأمین می‌شود». این‌همه بسیاری دارد.

در حوالی میدان سرخ

انتخابات مجلس به سبک روسی



احمد وختیبه

استادیار دانشگاه

دوستی ملل روسیه

● فدراسیون روسیه مبتنی بر ساختار نظامی فدرال شکل گرفته است و ازاین‌رو از یک سو به موجب سلسله مراتبی که از سوی دستگاه‌های دولتی منطقه‌ای و مجلس محلی که در طول حاکمیت مرکزی بنا نهاده شده است، باید شاهد «قدرت عمودی» باشیم و از طرفی به واسطه تفکیک قوا در ساختار حاکمه، با «قدرت عرضی» روبه‌رو خواهیم بود.

مطابق ماده ۱۰ فصل اول قانون اساسی فدراسیون روسیه به تفکیک قوا در این کشور اشاره شده که به موجب آن در کنار قوه مجریه که ریاست آن را رئیس‌جمهور بر عهده دارد، بر استقلال قوای مقننه و قضائیه نیز مشخصاً تأکید شده است؛ باوجوداین به نظر می‌رسد که مدل ساختار حکومت در این کشور بیشتر مبتنی بر نظام سیاسی نیمه‌ریاستی است. فدراسیون روسیه از دو مجلس تشکیل شده است: شورای فدراسیون روسیه (سنا) که به مجلس بالا (علیا) شهرت دارد و دومای ایالتی مجمع فدراسیون روسیه که به طور خلاصه مجلس دومای دولتی روسیه خطاب می‌شود و به مجلس پایین (سفلی) شناخته می‌شود.

روند انتخابات مجلس دوما

پاندمی کرونا سبب شد کمیسیون مرکزی انتخابات فدراسیون روسیه که مرجع برگزاری انتخابات‌ها در این کشور است، این دوره از انتخابات دومای دولتی روسیه را در سه روز (۱۷، ۱۸ و ۱۹ سپتامبر) برگزار کند. دومای روسیه یا همان مجلس نمایندگان از ۴۵۰ عضو تشکیل می‌شود که ۲۲۵ نفر آن به‌طور مستقل و نیمی دیگر به‌واسطه میزان موفقیت احزاب به مجلس وارد می‌شوند؛ برای مثال در این دوره از انتخابات، دوهزارو ۲۰ نفر در مناطق مختلف روسیه به‌طور مستقل کاندیدا شدند که با توجه به ظرفیت ۲۲۵ نفر نامزد مستقل، رقابت برای هر کرسی حدود ۸٫۹ بود.

از سوی دیگر ۱۴ حزب نیز در جریان این دوره از انتخابات با یکدیگر رقابت و هرکدام لیست کاندیداهای مدنظر خود را اعلام کردند؛ ازاین‌رو سردم هر منطقه در حوزه انتخابیه خود، در یک تفرقه به نامزد مستقل مدنظر خود رای دادند و در تفرقه دیگر حزب مورد علاقه خود را انتخاب کردند. برای نمونه در این دوره سه‌هزارو ۸۸ نامزد در لیست احزاب فدرال با یکدیگر رقابت کردند که می‌توان گفت از میان هر ۱۷ نفر، یک نفر شانس پیروزی برای کسب کرسی احزاب را مطابق ظرفیت ۲۲۵ نفر مجلس دوما داشت.

کدام احزاب شانس بیشتری دارند؟
حزب «روسیه متحده» که کمی بعدتر از به‌قدرت‌رسیدن ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه در سال ۲۰۰۱ تشکیل شده است، نزدیک‌ترین حزب به حاکمیت در این کشور است و می‌توان از آن به‌عنوان برقدرت‌ترین حزب روسیه نام برد که بیشترین کرسی را در مجلس دوما نیز در این دوره از مجلس داشت.

از سوی دیگر می‌توانیم به حزب «کمونیست فدراسیون روسیه» نیز اشاره کنیم که به‌عنوان برقدرت‌ترین حزب اپوزیسیون در این کشور شناخته می‌شود و رهبر آن، پاول گوردین است که در انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین با ولادیمیر پوتین رقابت می‌کرد. الکسی ناوالنی و حلقه او که در سال‌های اخیر به‌عنوان منتقدان پوتین شهرت یافته‌اند، تصمیم گرفتند در انتخابات دوما از نامزدهای حزب کمونیست حمایت کنند و بر این باور بودند که می‌توانند در ۱۳۷ حوزه نامزدهای حامی دولت را شکست دهند.

اما در این انتخابات سه حزب «مردم جدید»، «آرتاناتو سبز» و «آر.پی.اس.اس» برای اولین بار در کنار احزاب دیگری مانند حزب «سبب» که به‌عنوان یک حزب اپوزیسیون شناخته می‌شود و بر حقوق مدنی تمرکز دارد یا حزب «روسیه عادل» قرار گرفتند.

چه کسانی می‌توانند نامزد مجلس دوما بشوند
مطابق قانون اساسی افرادی که تابعیت روسیه دارند و از تابعیت کشور دیگری برخوردار نیستند، درصورتی‌که جرائم دادگاهی نداشته باشند و از سه درصد کل رای‌دهندگان حوزه انتخابیه خود امضا جمع کنند، می‌توانند مدارک خود را به همراه لیست اموال خود، همسر/ نامزد و فرزندانشان در داخل و خارج به کمیسیون انتخابات ارائه دهند و مطابق بند ۹ ماده ۴۳، این کمیسیون موظف است در هفت روز کاری آن را بررسی و در صورت رد صلاحیت، مشخص کند که آن فرد کدام‌یک از شرایط ماده ۳۹ و ۴۰ را ندارد که پس از آن یک فرصت ۱۰روزه تجدیدنظرخواهی وجود دارد. درمورد احزاب نیز لازم است آنها علاوه بر مدارک لازم نسبت به هریک از نامزدهای داخل لیست‌شان، با توجه به کل رای‌دهندگان هر منطقه حداقل ۲۰۰ هزار امضا جمع کرده باشند و حساب بانکی و گزارش مالی تبلیغات انتخاباتی خود را نیز اعلام کنند.